

**نویسنده :** فیلیپ گیرالدی (Philip Giraldi)

**منبع و تاریخ نشر:** انفارمیشن کلیرنگ هو «2022-11-29»

**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## چشم انداز ولادیمیر پوتین از جهان چند قطبی

### Vladimir Putin's Vision of a Multipolar World



در کتاب‌های تاریخی و همچنین در سیاست، هر داستان بر اساس جایی که فرد انتخاب می‌کند داستان را شروع کند، شکل می‌گیرد. جنگ کنونی در **اوکراین**، که بسیاری از ناظران معتقدند در حال حاضر همان چیزی است که ممکن است مرحله آغازین جنگ جهانی سوم در نظر گرفته شود، دقیقاً چنین تحولی است. آیا بذر درگیری پس از موافقت **میخائیل گورباچف** رهبر روسیه با انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991 پس از دریافت تعهد از سوی ایالات متحده و متحدانش مبنی بر عدم پیشبرد اتحاد نظامی غرب یعنی **نا تو** به اروپای شرقی بوجود آمد؟ یعنی که آمریکا و متحدان اش تعهد کرده بودند که **نا تو** را به اروپای شرقی توسعه و گسترش نمیدهند که دادند. و این تعهدی بود که به سرعت توسط پرزیدنت بیل کلینتون نادیده گرفته شد، او قبل از اضافه کردن اعضای جدید **نا تو** در میان خرابه‌های پیمان ورشو، در یوگسلاوی سابق مداخله نظامی کرد .

از آن زمان، **نا تو** به گسترش خود به بهای منافع امنیت ملی روسیه ادامه داده است. **اوکراین**، به عنوان یکی از بزرگترین جمهوری‌های شوروی سابق، به زودی به کانون درگیری‌های

احتمالی تبدیل شد. ایالات متحده آشکاراً در سیاست **اوکراین** مداخله کرد، از جمله دیدارهای مکرر سنا تور جنگ طلب **جان مک کین** و هیولای وزارت امور خارجه **ویکتوریا نولند** و همچنین سرمایه گذاری 5 میلیارد دلاری گزارش شده برای بی ثبات کردن اوضاع و تغییر رژیم برای برکناری دولت طرفدار روسیه. **ویکتور یا نوکوویچ** به این هدف که رژیم دوستدار آمریکا و متحدان اروپایی آن را جایگزین آن کند. هنگامی که این اتفاق افتاد به ناچار منجر به دعوت پیشنهادی از اوکراین برای پیوستن به **نا تو** شد یعنی که از **اوکراین** خواسته شد که پیشنهاد پیوستن اش را به **نا تو** بدهد، اقدامی که **مسکو** بارها هشدار داده بود که پیوستن **اوکراین** به **نا تو** تهدیدی وجودی برای خود روسیه است.

در نهایت، مسکو با جدیت تلاش کرد تا راه حلی برای بحران در حال توسعه اوکراین در سالهای 2020-2021 مذاکره کند، اما ایالات متحده و متحدانش علاقه‌ای به این موضوع نداشتند و به دولت فاسد اوکراین **ولودیمیر زلنسکی** اجازه دادند تا از هرگونه توافقی امتناع کند. بنا براین خود روسیه دریافته است که بارها توسط ایالات متحده و متحدانش گمراه شده یا حتی به او دروغ گفته اند. این کشور به ویژه از غارت منابع طبیعی اش توسط الیگارشی‌های عمدتاً غربی که تحت حمایت رئیس جمهور **بوریس یلتسین** بین سال‌های 1991 تا 1999 عمل می‌کردند، آزرده خاطر شده است، عروسکی که از طریق دخالت ایالات متحده و اروپا در انتخابات روسیه نصب و حفظ شد. درست زمانی که روسیه، شاید عمداً، به زانو درآمده بود، در سال 1999، **ولادیمیر پوتین**، افسر سابق KGB، به صحنه آمد که به عنوان نخست وزیر و بعداً رئیس جمهور، اقدام به تمیز کردن خانه کرد. از آن زمان، **پوتین** با دقت بسیار درباره خود و کارهایی که انجام می‌دهد توضیح داده است، و روشن می‌کند که او دشمن غرب نیست، بلکه شریکی در رابطه‌ای است که به منافع و فرهنگ همه بازیگران در یک اقتصاد جهانی به آزادی و فردیت که به حداکثر نفع برساند احترام می‌گذارد.

با توجه به تشدید خطر چشمگیر وضعیت فعلی در **اوکراین**، با صحبت از هر دو طرف در مورد شرایط استفاده از تسلیحات هسته‌ای، سخنرانی 27 اکتبر **ولادیمیر پوتین** رئیس جمهور روسیه در نوزدهمین نشست باشگاه بین‌المللی گفتگوی والدای، برگزار شد. در نزدیکی مسکو، با دیدن جو **با پد نر وینس استولتبرگ** این دنیا مطالعه شود. موضوع این نشست جهانی پساً هژمونیک: عدالت و امنیت برای همه بود. این نشست چهار روزه شامل 111 دانشگاهی، سیاستمدار، دیپلمات و اقتصاددان از روسیه و 40 کشور خارجی از جمله افغانستان، برزیل، چین، مصر، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایران، قزاقستان، آفریقای جنوبی، ترکیه، ازبکستان و ایالات متحده بود. **پوتین** در سخنرانی خود دیدگاه خود را از جهانی چند قطبی که در آن هیچ مفهومی از یک "نظم جهانی مبتنی بر قواعد" هژمونیک سیاسی وجود ندارد که جایگزین "قوانین برای حقوق بین‌الملل" شود، بیان کرد. او مشاهده کرد که قوانین خود مرتباً توسط یک کشور یا گروهی از کشورها دیکته شده‌اند. **پوتین** در عوض خواستار انتقال به تمایل به پذیرش این موضوع شد که همه کشورها منافع و حقوقی دارند که باید رعایت شوند.

جالب اینجاست که **پوتین**، از زمانی که رهبری کشورش را بر عهده گرفته، در درخواست اش مبنی بر احترام به همه کشورهای جهان تزلزل ناپذیر بوده است، به این معنی که منظور او این است که منافع و فرهنگ‌های محلی تا زمانی که همه با دید مشروع و شایسته پذیرش باشند آنها به آزادی فردی اجازه می‌دهند و به طو مشا به به منافع و ویژگی‌های ملی دیگران احترام می‌گذارند.

**پوتین** آرام و به شوخی بیش از یک ساعت در سخنان افتتاحیه خود صحبت کرد و سپس دو ساعت و نیم دیگر از حضار سوالاتی را مطرح کرد. او در پاسخ به سوالی، عقل سلیم مشاوران کاخ سفید را ارزیابی کرد که «روابط با چین را خراب می‌کنند، در عین حال که در جنگ با روسیه سلاح‌های میلیاردی به اوکراین می‌فرستند... صادقانه بگویم، نمی‌دانم چرا این کار را انجام می‌دهند. انجام این کار... آیا آنها عاقل هستند؟ به نظر می‌رسد که این کاملاً مغایر با عقل سلیم و منطق است... این خود عمل دیوانگی است!»

رئیس جمهور روسیه بر چند نکته تأکید کرد که دیدگاه‌های خود را تشریح کرد. نخست، او مشاهده کرد که هژمونی ایالات متحده/غرب «حاکمیت کشورها و مردمان، هویت و منحصر به فرد بودن آنها را انکار می‌کند، و هرگونه منافع دولت‌های دیگر را نادیده می‌گیرد... نظم جهانی مبتنی بر قوانین» تنها به کسانی که «قوانین» را وضع می‌کنند، قدرت می‌دهد. هر کس دیگری باید اطاعت کند یا با عواقب آن روبرو شود.

**پوتین** همچنین تمایل غرب به وضع قوانین و سپس نادیده گرفتن آنها در صورت تغییر شرایط را محکوم کرد. او خاطرنشان کرد که چگونه تحریم‌های اقتصادی و «فرهنگ لغو» بد بینا نه برای تضعیف اقتصادهای محلی و همچنین تحقیر فرهنگ‌ها و ویژگی‌های ملی دشمنان خارجی استفاده می‌شود. او به عنوان مثال مشاهده کرد که چگونه نویسندگان و آهنگسازان روسی صرفاً برای ارسال پیام سیاسی و مجازات مسکو به دلیل سیاست خارجی‌اش توقیف می‌شوند.

**پوتین** توضیح داد که روسیه یک «تمدن مستقل و اصیل» است که «هرگز خود را دشمن غرب ندانسته است». مسکو «به سادگی از حق خود برای وجود و توسعه آزادانه دفاع می‌کند. در عین حال، ما خودمان به دنبال تبدیل شدن به نوعی هژمون جدید نیستیم.» او سپس تحلیل خود را از آنچه در حال توسعه است ارائه کرد و گفت که جهان با طوفانی جهانی مواجه است که هیچ کس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. ما در یک نقطه عطف تاریخی قرار داریم، پیش از آنکه احتمالاً خطرناک‌ترین، غیرقابل پیش‌بینی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین دهه از پایان جنگ جهانی دوم است. غرب به تنهایی قادر به مدیریت بشریت نیست، اما به شدت در تلاش است تا این کار را انجام دهد و بیشتر مردم جهان دیگر نمی‌خواهند آن را تحمل کنند.» ما می‌توانیم تصمیم بگیریم: «یا به انباشتن بار مشکلاتی که ناگزیر همه ما را در هم می‌ریزد ادامه دهیم، یا با هم برای یافتن راه‌حلی تلاش کنیم، هرچند ناقص، اما کارآمد، و قادر به ایجاد امنیت و ثبات بیشتر در جهان شویم.»

بنا بر این، **ولادیمیر پوتین** فراخوانی برای انتقال به دنیای چندقطبی صادر می‌کند که به ناچار زمینه بازی را هم در روابط بین‌الملل و هم در اقتصاد جهانی تغییر خواهد داد. دیگر ایالات متحده و متحدانش نمی‌توانند در هنگام استفاده از زور برای مجازات رقبا ادعای «حاکمیت قانون» داشته باشند. دور شدن از استفاده از **دلار** به عنوان ارز ذخیره جهان، عمدتاً برای معاملات انرژی، در حال حاضر رخ می‌دهد، زیرا شرکای تجاری بزرگی مانند **چین** و **ترکیه** عضو **ناتو** محدودیت‌ها را نادیده گرفته‌اند و در عین حال همچنان به خرید صادرات انرژی روسیه ادامه می‌دهند و تا حدودی آن را نفی کرده‌اند. تحریم‌هایی که واشنگتن و اروپا وضع کرده‌اند. **مرگ دلار** به عنوان **ارز** ذخیره، چاپ پول بدون هیچ‌گونه حمایتی را برای خزانه داری ایالات متحده دشوارتر می‌کند، زیرا بسیاری از کشورها دیگر تمایلی به پذیرش آنچه به عنوان یک **ارز** ثابت تولید شده توسط دولتی که در بدهی در واقع در حال غرق شدن است، نخواهند بود.

البته ممکن است ثابت شود که **پوتین** اشتباه می کند و سیستم جهانی کنونی می تواند در آینده قابل پیش بینی لنگ بزند یا که در داد و ستد لنگش بوجود آید. اما اگر حق با او باشد، آن تحولات در حال گذار به دنیای چند قطبی به معنای افول و سقوط عملاً ایالات متحده به عنوان هژمون جهانی خواهد بود، در حالی که هر چیزی حتی از راه دور مانند سقوط دلار تأثیر فاجعه باری بر اقتصاد مبتنی بر واردات ایالات متحده و همچنین خواهد داشت. بر آمریکایی های معمولی نوعی نکول جزئی بدهی خزانه داری آمریکا غیر قابل تصور نیست. و **پوتین** ممکن است در پیش بینی خود درست باشد که تغییر در راه است و ایالات متحده و دوستانش هیچ کاری نمی توانند برای جلوگیری از آن انجام دهند.

در هر صورت، تعدیل های سیاسی و اقتصادی که مطمئناً به هر طریقی در حال رخ دادن است، قطعاً با ادامه درگیری اوکراین انجام خواهد شد. فاجعه این است که آنچه در حال توسعه است به خودی خود تحمیل شده است، کاملاً قابل اجتناب است و به منافع واقعی ایالات متحده پاسخ نمی دهد، اما این داستان دیگری است. اگر **اوکراین** به جنگ علنی با دخالت مستقیم بیشتر ایالات متحده و جابجایی اقتصادی روی آورد، فشار بین المللی برای از بین بردن وضعیت موجود پس از جنگ جهانی دوم ناگزیر افزایش خواهد یافت. مهم نیست که چگونه توسعه یابد، آنچه در حال حاضر رخ می دهد، سیاستمداران همیشه ناشنوا در کاخ سفید و اطراف آن را وادار می کند تا درباره جایگاه آمریکا در جهان و گزینه های آن به عنوان یک قدرت بزرگ تجدید نظر کنند. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که این روند چگونه پیش می رود و این روند باعث می شود که تناثر قانع کننده ای ایجاد کند، زیرا دو حزب سیاسی بزرگ آمریکا مواضعی را اتخاذ می کنند تا ادعا کنند که طرف مقابل تنها مقصر است. نمی توان پیش بینی کرد که این خونریزی تا کجا پیش خواهد رفت.

## سطری چند در مورد نویسنده:

فیلیپ ام. گیرالدی، دکتر، مدیر اجرایی شورای منافع ملی، یک بنیاد آموزشی 501 (c)3 با کسر مالیات (شماره شناسه فدرال #1739023-52) است که به دنبال سیاست خارجی ایالات متحده مبتنی بر منافع بیشتر است در خاورمیانه وب سایت [Councilforthenationalinterest.org](http://Councilforthenationalinterest.org)، آدرس P.O. جعبه 2157، Purcellville VA 20134 و ایمیل آن [inform@cnionline.org](mailto:inform@cnionline.org) است.

-----  
**با تقدیم احترام «2022-11-30»**